

تأثیر همزمان عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی

پریسا نیل‌فروشان^۱

استادیار مشاوره، دانشگاه اصفهان

سیداحمد احمدی

استاد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان

مریم فاتحی زاده

دانشیار مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان

محمدرضا عابدی

دانشیار مشاوره شغلی، دانشگاه اصفهان

وحید قاسمی

دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۹۳/۲/۴

دریافت: ۹۲/۱۰/۳۰

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی بود.

روش: جامعه این پژوهش شامل زوج‌های شهر اصفهان بود که حداقل یک سال از ازدواج آنها گذشته و در طی یک سال اخیر با رویدادهای استرس‌زا مواجه نشده بودند. از این جامعه، نمونه‌ای با حجم ۵۲۲ نفر (۲۶۱ زوج) به روش نمونه‌گیری سهل‌الوصول انتخاب شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو (NEO-FFI)، پرسشنامه تجدیدنظرشده تجارب در روابط

1. p.nilforooshan@edu.ui.ac.ir

نزدیک (ECR-R)، و پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه ادراک شده (PRQC) استفاده شد. روش‌های آماری مورد استفاده شامل آمار توصیفی و تحلیل استنباطی به روش مدل‌سازی معادله ساختاری بود.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی معنادار است. عامل عمومی شخصیت باعث افزایش، و اضطراب و اجتناب دلبستگی باعث کاهش کیفیت رابطه زناشویی می‌شود. همچنین تأثیر ابعاد دلبستگی بیشتر از عامل عمومی شخصیت به دست آمده و از بین ابعاد دلبستگی، تأثیر اجتناب دلبستگی بر کیفیت ابعاد رابطه زناشویی قوی‌تر بود.

نتیجه‌گیری: به طور کلی در تبیین کیفیت رابطه زناشویی، عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی دارای سهم ویژه‌ای بوده و باید عملکرد هر دو همزمان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: عامل عمومی شخصیت، اضطراب دلبستگی، اجتناب دلبستگی، کیفیت رابطه زناشویی.

مقدمه

کیفیت رابطه زناشویی^۱ مفهومی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و بیشترین تحقیقات در حیطه روابط زناشویی بر روی آن انجام شده است (کاستر^۲، ۲۰۰۹). لارنس، باری، لانگر، و بروک^۳ (۲۰۰۹) کیفیت رابطه زناشویی را احساسات کلی همسران از شادمانی و رضایت آنها از زندگی مشترک تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر کیفیت رابطه زناشویی به نگرش ذهنی فرد به رابطه زناشویی (کاستر، ۲۰۰۹) و برآورد همسران از شادمانی آنها در ازدواج (برادباری، فینچام، و بیچ^۴، ۲۰۰۰) اطلاق می‌شود. تحقیقات نشان داده است که با کاهش کیفیت رابطه زناشویی، احتمال طلاق افزایش یافته و کیفیت رابطه زناشویی بر کیفیت کلی زندگی و بهزیستی ذهنی^۵ تأثیرگذار است. کیفیت پایین رابطه زناشویی، رابطه والد-فرزند را تضعیف می‌کند. این واقعیت که کیفیت رابطه زناشویی تأثیر بین‌نسلی و درون‌نسلی دارد حاکی از اهمیت درک ریشه‌های کیفیت رابطه زناشویی است (جانسون و بوث^۶، ۱۹۹۸).

۴۷۵

متخصصان خانواده و زوج‌درمانی همواره به دنبال درک عوامل پیشاینده و پیش‌بینی‌کننده کیفیت رابطه زناشویی بوده‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها دریافته‌اند که عوامل روان‌شناختی بهتر از متغیرهای جمعیت‌شناختی چون سن، سطح تحصیلات، و سابقه طلاق می‌تواند بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کند (بوژارد، لوسیر، و سابورین^۷، ۱۹۹۹). بدین ترتیب مدل‌های مختلفی به معرفی عوامل پیشاینده کیفیت و ثبات زندگی زناشویی پرداختند. از آن جمله می‌توان به مدل آسیب‌پذیری، استرس، سازگاری کارنی^۸ و برادباری (۱۹۹۵)، و مدل هولمن^۹ (۲۰۰۱) اشاره کرد. یکی از عواملی که در این مدل‌ها بر آن تأکید شده، ویژگی‌های فردی همسران است.

1. marital quality
2. Custer
3. Lawrence, Barry, Langer, & Brock
4. Bradbury, Fincham, & Beach
5. subjective well. being
6. Johnson & Booth
7. Bouchard, Lussier, & Sabourin
8. Karney
9. Holman

نظریه دلبستگی بزرگسالان^۱ (میکالینسر و شیور^۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷) و نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت^۳ (مک کرا و کاستا^۴، ۱۹۹۹) از اصلی‌ترین مبانی نظری برای بررسی ویژگی‌های فردی معرفی شده است.

نظریه دلبستگی بزرگسالان (فریلی^۵ و شیور، ۲۰۰۰، میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷) در واقع بسط نظریه دلبستگی بالبی و اینسورث^۶ است و تفاوت‌های فردی افراد از نظر شناخت، احساس، و رفتار که در بافت روابط نزدیک بزرگسالی اتفاق می‌افتد را تبیین می‌کند. امروزه نظریه دلبستگی یکی از مؤثرترین نظریه‌ها در مطالعه روابط بین‌فردی، به‌ویژه رابطه زناشویی است. بخش اعظمی از تحقیقات نشان داده‌اند که سبک دلبستگی به لحاظ نظری با فرایندهای ذهنی مربوط به روابط نزدیک، رفتارهای مشاهده شده در این روابط، و پیامدهای چنین روابطی، چه ذهنی (مانند رضایت) و چه عینی (مانند جدایی و طلاق) مرتبط است (نوفل و شیور، ۲۰۰۶). نیازهای دلبستگی در روابط بزرگسالان همان نیازهای رابطه والد-کودک هستند. احساس ایمنی به حس اعتماد و اطمینان به در دسترس بودن^۷ و پاسخگو بودن^۸ مظاهر دلبستگی و همچنین به حس خودارزشمندی^۹ در ارتباط با مظاهر دلبستگی اطلاق می‌شود یعنی اینکه فرد احساس طرد^{۱۰}، ترک یا رهاشدگی^{۱۱} از سوی دیگران نکند (داویلا^{۱۲}، ۱۳۸۸). عموماً برای اکثر بزرگسالان، همسر، مظهر دلبستگی و منبع عمده امنیت و احساس آرامش است و

1. Adult Attachment Theory
2. Mikulincer & Shaver
3. Big Five Personality traits
4. McCrea, & Costa
5. Fraley
6. Bowlby & Ainsworth
7. availability
8. responsiveness
9. self. worth
10. reject
11. abandoned
12. Davila

بنابراین موضوع اساسی، در دسترس بودن هر یک از همسران و پاسخ دهی آنها به نشانه‌های هیجانی یکدیگر است (جانسون^۱، ۱۳۸۸).

میکالینسر و شیور (۲۰۰۷) با ارائه مدل عملکرد و پویایی‌های سیستم دلبستگی بیان می‌کنند که دو بعد اضطراب^۲ و اجتناب دلبستگی^۳ را می‌توان براساس عملکرد سیستم دلبستگی (بیش‌فعال‌سازی^۴ و نافع‌فعال‌سازی^۵) در روابط نزدیک مفهوم‌سازی کرد. اضطراب دلبستگی به استفاده از راهبرد بیش‌فعال‌سازی برای مقابله با ناایمنی و ناراحتی، تمایل شدید برای نزدیک بودن و محافظت، نگرانی‌های شدید در مورد در دسترس نبودن همسر، و ارزش شخصی خود یا همسر (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷)، گرایش به مورد پذیرش واقع شدن، حمایت شدن، و مطمئن شدن از جانب مظاهر دلبستگی (سیبلی و اوورال^۶، ۲۰۰۸) اطلاق می‌شود. اجتناب دلبستگی به استفاده از راهبرد نافع‌فعال‌سازی برای مقابله با ناایمنی و ناراحتی، احساس ناراحتی از نزدیکی و وابستگی به همسر، ترجیح فاصله هیجانی و خوداتکایی، (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷)، ناراحتی از خود افشایی، بیان احساسات و آسیب‌پذیری (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸) اشاره دارد. با در نظر داشتن دو بعد زیربنایی اضطراب و اجتناب دلبستگی چهار سبک دلبستگی (ایمن^۷، نگران^۸، اجتنابی بیمناک^۹، و اجتنابی بی‌تفاوت^{۱۰}) برای بزرگسالان مطرح می‌شود (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳).

-
1. Johnson
 2. attachment anxiety
 3. attachment avoidance
 4. hyperactivation
 5. deactivation
 6. Sibley, & Overall
 7. secure
 8. preoccupied
 9. fearful avoidance
 10. dismissing avoidance

از سویی دیگر نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌رنجوری^۱، برون‌گرایی^۲، تجربه‌گرایی^۳، توافق‌پذیری^۴، و وجدان‌گرایی^۵) چارچوبی را برای تبیین تفاوت‌های بین فردی از نظر شخصیت فراهم می‌آورد (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۹) و مبنایی برای پژوهش‌های متعدد در زمینه کیفیت رابطه زناشویی و پیامدهای رابطه زناشویی بوده است (بوژارد و همکاران، ۱۹۹۹، نوفل و شیور، ۲۰۰۶، بوژارد، ۲۰۰۳). در ابتدا مدل پنج عامل بزرگ شخصیت، این پنج عامل را به عنوان عوامل بنیادین و متعامد فرض کرد با اینحال شواهد زیادی وجود دارد که این عوامل با هم متعامد نبوده و همبستگی آنها تا حدی زیاد است که می‌توان در تحلیل‌های عاملی از چرخش متمایل^۶ استفاده کرد (مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۴، موسک^۷، ۲۰۰۷). بنابراین به‌تازگی فرضیه جدیدی مطرح شده و در آن پنج عامل بزرگ شخصیت به یک عامل عمومی شخصیت^۸ (GFP) کاهش یافته است درست همانطور که عامل g، عامل عمومی توانایی ذهنی، در رأس سازمان توانایی‌های شناختی قرار دارد (راشتون و ایروینگ^۹، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان داده است که پنج عامل بزرگ شخصیت به دو عامل ثابت^{۱۰} و انعطاف^{۱۱} منتهی می‌شود (دی‌یانگ^{۱۲}، ۲۰۰۶). ثبات که شامل توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی، و ثبات هیجانی است، به میزان انسجام و یکپارچگی فرد در انگیزه، خلق، و تعاملات اجتماعی اشاره دارد. انعطاف که شامل برون‌گرایی و تجربه‌گرایی است نشان می‌دهد که فرد تا چه حد فعالانه در جستجوی تجارب جدید و ارزشمند ذهنی و اجتماعی بر می‌آید (واندرلیدن، نینهوس، و بیکر^{۱۳}، ۲۰۱۰). برای اولین بار

1. Neuroticism
2. Extraversion
3. Openness
4. Agreeableness
5. Conscientiousness
6. Oblique
7. Musek
8. General Factor of Personality
9. Rushton, & Irwing
10. Stability
11. Plasticity
12. Deyoung
13. Van der Liden, Nijenhuis, & Bakker

موسک (۲۰۰۷) GFP را در سطح نظری مطرح کرد. وی علاوه بر ثبات و انعطاف به عامل مرتبه بالاتری دست یافت و این نتیجه در پژوهش‌های دیگر نیز تکرار شد (راشتون، بونز، و هور^۱، ۲۰۰۸، راشتون و ایروینگ^۲، ۲۰۰۸، اردلی، گاسلینگ، و پاتر^۳، ۲۰۰۹، و اندرلیدن و همکاران، ۲۰۱۰). در مورد معنای روان شناختی GFP موسک (۲۰۰۷) بیان می‌کند که GFP را می‌توان به عنوان ترکیبی از همه ابعاد شخصیتی که ارزش مثبت دارند تلقی کرد که ریشه‌های عمیق زیست شناختی، تکاملی، ژنتیک، و عصبی فیزیولوژیک دارد. نکته مهم و قابل ذکر این است که وجود GFP به این معنا نیست که دیگر عوامل شخصیتی که در سطوح پایین‌تر سلسله مراتب شخصیت‌اند لزوماً اهمیت ندارند (و اندرلیدن و همکاران، ۲۰۱۰). سلسله مراتبی که انتخاب می‌شود به آنچه که باید پیش‌بینی یا توصیف شود بستگی دارد. هرچه پیش‌بینی به رفتارهای جزئی‌تر مربوط باشد، عوامل مرتبه پایین‌تر از قدرت پیش‌بینی بالاتری برخوردار هستند. با این حال در مواردی نیز برای پیش‌بینی الگوهای رفتاری کلی‌تر به عوامل مرتبه بالاتر شخصیت نیاز است (جان و سریواستاوا^۴، ۱۹۹۹).

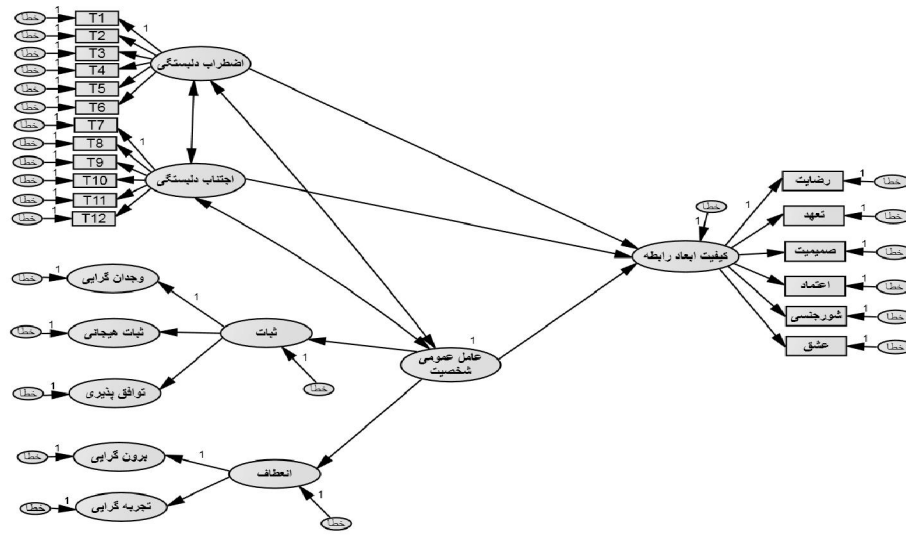
همانطور که گفته شد تفاوت‌های فردی ممکن است حاصل شخصیت (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹، دونلن، برت، لوندوسکی، و کلامپ^۴، ۲۰۰۸) یا تفاوت در جهت‌گیری دلبستگی باشد (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳). نظریه شخصیت بر تبیین پراکندگی‌های منظم در شناخت، عاطفه، و رفتار افراد در موقعیت‌ها و حوزه‌های رفتاری گوناگون تأکید دارند، در حالی که تأکید بیشتر نظریه دلبستگی بر فرآیندهایی است که در روابط بین فردی نزدیک رخ می‌دهد. تلفیق این دو الگو اهمیت دارد (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸). این الگوهای نظری در تلفیق با یکدیگر می‌تواند ساختاری را برای درک بهتر تعامل‌های آشکار و پنهان همسران و ادراک ذهنی آنان از کیفیت رابطه زناشویی فراهم نموده و بدین ترتیب عواملی که در افزایش کیفیت رابطه زناشویی نقش

1. Bons, & Hur
2. Erdle, Gosling, & Potter
3. John & Srivastava
4. Donnellan, Burt, Levensdosky, & Klump

برجسته‌تری دارند مشخص شود. با در نظر داشتن هر دو نظریه می‌توان به نقش ژنتیک و عوامل اجتماعی در پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی توجه داشت. نظریه دلبستگی به طور کلی بر علل اجتماعی سبک‌های دلبستگی تأکید دارد در حالی که نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت عمدتاً بر ژنتیک، مبانی خلق و خو یا علل صفات شخصیتی متمرکز است. با آنکه مبنای نظری این دو سازه (سبک دلبستگی و تیپ شخصیتی) کاملاً متفاوت است، ولی موضوع‌های مشترکی بین آنها وجود دارد که باعث شده تحقیقات مختلف به طور جداگانه یا همزمان به بررسی رابطه آنها با کیفیت زندگی زناشویی بپردازند (نوفل و شیور، ۲۰۰۶). بنابراین گنجاندن متغیرهای شخصیتی در تحقیقات دلبستگی بزرگسالان و بر عکس به روشن‌سازی روابط بین دلبستگی، صفات شخصیتی، و پیامدهای آن از جمله کیفیت رابطه زناشویی کمک کرده و تلفیق دلبستگی بزرگسالان و صفات شخصیتی بزرگسالان را تسهیل می‌کند (دونلن و همکاران، ۲۰۰۸).

از آنجا که کشف و تبیین پویایی‌های روابط زناشویی و عوامل مؤثر بر آن به دلایل نظری و بالینی اهمیت دارد (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷) به نظر می‌رسد که نیاز است تا الگوهای نظری که در آن رویکردهای نظری مختلف مورد توجه قرار گرفته است، تدوین و آزمون شود. در صورت درک، تبیین، و پیش‌بینی روابط زناشویی با استفاده از الگوهای نظری می‌توان به بهبود این روابط کمک کرد. نکته قابل ذکر آنکه پژوهش‌های داخلی به طور جداگانه رابطه هر یک از عوامل ذکر شده با شاخص‌های گوناگون کیفیت رابطه زناشویی را تا حد تحلیل رگرسیون بررسی نموده‌اند (مانند مظاهری، ۱۳۷۹، صیادپور، ۱۳۸۴، عطاری، امان‌الهی‌فرد، و مهرابی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۵، حمیدی، ۱۳۸۶، بشارت، کریمی، و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۶، و عباسی و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۸). بنابراین به الگویی نیاز است که متغیرهایی که در دیگر پژوهش‌ها به طور مجزا مورد توجه قرار گرفته است را در کنار یکدیگر قرار داده و علاوه بر بررسی روابط همبستگی بین آنها بتواند روابط علی بین آنها را مشخص کند. بدین ترتیب این پژوهش به دنبال آن است که مشخص نماید چگونه شخصیت (به عنوان جهت‌گیری فراگیر) و ابعاد دلبستگی

(به عنوان بازنمایی‌های خاص زمینه‌ای) با هم عمل می‌کنند تا ادراک از کیفیت رابطه را در بافت ارتباطی خاص همسران ایجاد کند. به علاوه می‌توان مزیت‌های نسبی اتخاذ هر یک از این دو نظریه را برای تبیین و پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی بررسی کرد. هدف این پژوهش آن است تا روابط علی بین این متغیرها و کیفیت رابطه زناشویی را به عنوان متغیر درون‌زا^۱ بیازماید و در این راستا از روش مدل معادله ساختاری استفاده می‌کند زیرا این روش آزمون توانمندتری از روابط علی مفروض بین متغیرها ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر این پژوهش بر آن است تا تأثیر شخصیت و ابعاد دلبستگی به عنوان متغیرهای برون‌زا^۲ را بر کیفیت رابطه زناشویی همسران بررسی کند. فرض بر آن است که عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی (اضطراب دلبستگی و اجتناب دلبستگی) متغیرهای مکنون برون‌زا هستند که به طور مستقل بر متغیر مکنون کیفیت رابطه زناشویی تأثیر دارد. در عین حال عامل عمومی شخصیت با هر یک از ابعاد دلبستگی مرتبط است. همچنین ابعاد دلبستگی با یکدیگر مرتبط فرض شده است. مدل مفهومی این فرضیه در شکل (۱) نشان داده شده است. چنین فرض می‌شود که ابعاد دلبستگی با کاهش کیفیت رابطه زناشویی و عامل عمومی شخصیت با افزایش کیفیت رابطه زناشویی رابطه داشته باشد. همچنین هدف دیگر این پژوهش آن است که این مدل را با توجه به طول مدت ازدواج و وجود یا عدم وجود فرزند بیازماید.



شکل ۱. مدل مفهومی تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی

روش

طرح این پژوهش، همبستگی از نوع مدل‌سازی معادله ساختاری است. مدل معادله ساختاری یکی از تکنیک‌های تحلیل چندمتغیری است. جامعه آماری این پژوهش زوج‌های شهر اصفهان بود که حداقل یک سال از ازدواج آنها گذشته و در یک سال اخیر با رویدادهای استرس‌زا در زندگی مشترک مواجه نشده بودند. انتخاب این جامعه از آن جهت بود که «اثر ماه عسل»^۱ بر کیفیت رابطه زناشویی کنترل شود زیرا فرض بر آن بود که در ابتدای ازدواج میزان کیفیت رابطه زناشویی بالا است (جانسون و بوث، ۱۹۹۸، برادباری و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین با تعیین این جامعه، هر نوع اثر رویدادهای استرس‌زا بر کیفیت رابطه زناشویی کنترل گردید زیرا

1. honeymoon effect

اینگونه رویدادها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر رابطه زناشویی داشته باشد (کوهان^۱ و برادباری، ۲۰۰۹). براساس الگوهای استرس خانواده که توسط مک گلدریک و کارتر^۲ (۲۰۰۳) و گرینبرگ^۳ (۲۰۰۴) ارائه شده است، در این پژوهش بیکاری، ورشکستگی، مشکلات شدید اقتصادی، ناباروری، مرگ فرزند، از دست دادن یا بیماری والدین هر یک از همسران، بیماری حاد هر یک از همسران، کشف روابط فرزندناشویی، سوءاستفاده از اعضای خانواده، مهاجرت، و حوادث غیرمنتظره به عنوان رویدادهای استرس‌زا در نظر گرفته شد. از این جامعه نمونه‌ای با حجم ۵۲۲ نفر (۲۶۱ زوج) به روش نمونه‌گیری سهل‌الوصول یا آسان (بدون هیچگونه سوگیری و هدفمندی) انتخاب شد. ۱۵۰ نفر برای بررسی ساختار عاملی پرسشنامه پنج عاملی نئو در نظر گرفته شد. برای هر متغیر آشکار مدل نیز ۲۰ نفر منظور گردید. بدین ترتیب حجم نمونه ۵۱۰ نفر مشخص شد. ۵۳۰ پرسشنامه توزیع گردید که از این تعداد ۵۲۲ پرسشنامه کامل بود. برای نمونه‌گیری به همایش‌هایی که در بازه زمانی دو ماهه در نقاط مختلف سطح شهر اصفهان برگزار می‌شد مراجعه شده و همسرانی که داوطلب شرکت در پژوهش بودند انتخاب شدند. در دستورالعمل پرسشنامه، ضمن ارائه راهنمایی‌های لازم به این نکته اشاره شد که افراد در صورت تمایل می‌توانند نام و نام خانوادگی خود را ذکر نمایند. میانگین سن نمونه ۳۳/۴۹ سال (انحراف معیار=۸/۵۹)، میانگین سنی آقایان ۳۴/۶۴ (انحراف معیار=۸/۴۷) و میانگین سنی خانم‌ها ۳۱/۲۲ (انحراف معیار=۷/۸۰) بود. میانگین طول مدت ازدواج همسران ۱۰/۴۴ سال (انحراف معیار=۸/۸۲) و میانگین تعداد فرزندان ۱/۲۸ (انحراف معیار=۱/۲۶) بود.

ابزار پژوهش: پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو: در این پژوهش از پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو^۴ (NEO-FFI) برای سنجش ابعاد شخصیتی استفاده شد. پرسشنامه پنج عاملی نئو مقیاس مختصری برای سنجش پنج عامل اساسی شخصیت است (مک کرا و کاستا، ۲۰۰۴). در

1. Cohan
2. McGoldrick & Carter
3. Greenberg
4. NEO. Five Factor Inventory

این پرسشنامه برای هر عامل ۱۲ گزاره و در مجموع ۶۰ گزاره در نظر گرفته شده است. از آزمودنی خواسته می‌شود که با توجه به درکی که از خودش دارد میزان موافقت یا مخالفت خود را بر روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت مشخص کند (۱= کاملاً مخالف، ۵= کاملاً موافق). نمرات بالاتر نشان‌دهنده روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی بیشتر است.

پایایی بازآزمایی دو هفته‌ای NEO-FFI بالا بوده و برای پنج مقیاس از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (مک کرا و کاستا، ۲۰۰۴). عطاری و همکاران (۱۳۸۵) پایایی این آزمون را با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۶۴ نفر به فاصله دو هفته برای عوامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰، و ۰/۸۲ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ثبات پرسشنامه پنج عاملی نئو رابطه از طریق روش بازآزمایی سه هفته‌ای بر روی ۴۰ آزمودنی (۲۰ زوج) بررسی شد و ضرایب بازآزمایی برای هریک از عوامل مذکور به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۲، و ۰/۸۹ به دست آمد.

پژوهش‌های مختلف از ضریب آلفای کرونباخ برای نشان دادن همسانی درونی این ابزار استفاده کرده‌اند. کیامهر (۱۳۸۱) برای پنج عامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی، به ترتیب آلفای کرونباخ را ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۴۲، ۰/۵۸، و ۰/۷۷ گزارش کرده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶، ۰/۶۳، ۰/۳۱، ۰/۴۸، و ۰/۸۱ برای عوامل مذکور به ترتیب محاسبه شد.

همانطور که گفته شد درباره شخصیت فرضیه‌های جدیدی مطرح شده است که در آنها یک عامل عمومی شخصیت (GFP) اوج ساختار سلسله مراتبی شخصیت را به خود اختصاص داده است (راشتون و ایروینگ، ۲۰۰۸). با توجه به همبستگی‌های گزارش شده در تحقیقات پیشین (مانند مک کرا و کاستا، ۲۰۰۴) و نیز با توجه به همبستگی‌های به دست آمده بین عوامل پنجگانه در پژوهش حاضر (جدول ۱)، مدل عاملی تأییدی مرتبه سوم برای تعیین ساختار عاملی NEO-FFI در نظر گرفته شد.

جدول ۱. همبستگی بین عوامل پنجگانه NEO-FFI

روان رنجوری	برون گرایی	تجربه گرایی	توافق پذیری	وجدان گرایی
روان رنجوری	۱			
برون گرایی	-۰/۴۷**	۱		
تجربه گرایی	-۰/۰۲	۰/۰۷	۱	
توافق پذیری	۰/۱۷*	۰/۰۶	-۰/۱۱	۱
وجدان گرایی	-۰/۳۳**	۰/۴۰**	-۰/۰۰۴	۰/۱۹*

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۱ نشان می‌دهد که عوامل پنجگانه شخصیت کاملاً مستقل نیستند. همانطور که در شکل ۱ نیز نشان داده شده است، در مدل اندازه‌گیری عامل عمومی شخصیت، گویه‌ها به عنوان متغیر آشکار (به دلیل ساده‌سازی، گویه‌ها در شکل نشان داده نشده است) و هر یک از عوامل پنجگانه به عنوان عوامل مرتبه اول در نظر گرفته می‌شود. همچنین دو عامل ثبات و انعطاف به عنوان عوامل مرتبه دوم منظور می‌شود، به طوری که وجدان گرایی، توافق پذیری، و ثبات هیجان (قطب مخالف روان رنجوری) عامل ثبات، و برون گرایی و تجربه گرایی، عامل انعطاف را تشکیل می‌دهد. همچنین دو عامل مرتبه دوم (ثبات و انعطاف) بر روی یک عامل عمومی شخصیت فراگذاری می‌شود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که این مدل با داده‌ها به خوبی برازش دارد. در جدول ۲ شاخص‌های برازش این مدل ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش برای مدل‌های اندازه‌گیری

شاخص‌های کلی برازش						مدل
RMSEA	PCFI	PNFI	CMIN/DF	CFI	TLI	
۰/۰۵۶	۰/۶۵	۰/۵۵	۲/۴۹	۰/۷۰	۰/۶۸	مدل عامل عمومی شخصیت
۰/۰۵۹	۰/۶۷	۰/۶۶	۲/۷۹	۰/۹۷	۰/۹۵	مدل دو عاملی مرتبه اول ECR-R
۰/۰۰۶	۰/۲۷	۰/۲۷	۳/۲۳	۰/۹۹	۰/۹۸	مدل تک عاملی PRQC

همانطور که در جدول ۲ مشخص است، شاخص کای اسکوئر نسبی نشان می‌دهد که این مدل از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. با آنکه مقدار شاخص‌های تطبیقی تا حدی کم بود، با این حال لازم به یادآوری است که مقدار این شاخص‌ها در مدل‌های پیچیده به سختی به حد مطلوب می‌رسد. از سویی دیگر مقادیر شاخص‌های مقتصد بیشتر از ۰/۵ به دست آمد. مقدار RMSEA به دست آمده نشان می‌دهد که این مدل با داده‌ها برازش دارد. بررسی جزئیات این مدل نشان داد که کلیه بارهای عاملی به دست آمده معنادار است.

پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R): در پژوهش حاضر از پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب در روابط نزدیک^۱ (ECR-R) (فریلی، والر، و برنان، ۲۰۰۰) استفاده شد. ECR-R که پرسشنامه‌ای ۳۶ آیتمی در مورد دلبستگی بزرگسالان است برای هر یک از ابعاد اضطراب و اجتناب دارای ۱۸ آیتم می‌باشد. آیتم‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالف تا ۷= کاملاً موافق) نمره گذاری می‌شود. آیتم‌های ۱ تا ۱۸ به مقیاس اضطراب و آیتم‌های ۱۹ تا ۳۶ به مقیاس اجتناب مربوط است. با محاسبه میانگین نمرات ۱۸ آیتم در هر بعد می‌توان به نمره ابعاد اضطراب و اجتناب دست یافت. بدین ترتیب حداقل نمره اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی ۱ و حداکثر ۷ است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بیشتر اضطراب و اجتناب‌اند. از نمره میانگین این ابعاد می‌توان برای طبقه بندی آزمودنی‌ها در طبقات چهارگانه دلبستگی استفاده کرد.

1. Experiences in Close Relationships. Revised Questionnaire
2. Fraley, Waller, & Brennan

فریلی و همکاران (۲۰۰۰) و سیبلی، فیشر، و لیو^۱ (۲۰۰۵) و فرچایلد و فینی^۲ (۲۰۰۶) در بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه به دو عامل مرتبه اول مجزا و مرتبط اضطراب و اجتناب دست یافتند که با مبانی نظری مطابق بود. در پژوهش حاضر نیز همچون سیبلی و همکاران (۲۰۰۵) آیتم‌های هر مقیاس به طور تصادفی به شش گروه سه‌تایی تقسیم شده و هر یک از آنها به عنوان یک متغیر آشکار در نظر گرفته شد و مدل دو عاملی مرتبه اول مورد بررسی قرار گرفت. این مدل به صورت مدل اندازه‌گیری ابعاد دلبستگی در شکل ۱ قابل مشاهده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که این مدل با داده‌ها به خوبی برازش دارد. در جدول ۲ شاخص‌های برازش این مدل ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود شاخص کای اسکوئر نسبی نشان داد که این مدل از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. همچنین مقدار شاخص‌های تطبیقی از ۰/۹۰ بیشتر بود. از سویی دیگر مقادیر شاخص‌های مقتصد نیز بیشتر از ۰/۵ به دست آمد. مقدار RMSEA به دست آمده نشان می‌دهد که مدل دو عاملی مرتبه اول که در آن اضطراب و اجتناب دلبستگی به عنوان دو متغیر مجزا و مرتبط با یکدیگر در نظر گرفته شده است، قابل قبول می‌باشد.

همچنین مدل تک عاملی مرتبه دوم نیز برای این پرسشنامه در نظر گرفته شد که در آن اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی به عنوان عوامل مرتبه اول و دلبستگی به عنوان یک متغیر زیربنایی مرتبه دوم در نظر گرفته شد. مقدار RMSEA برای این مدل ۰/۰۸ به دست آمد. بنابراین می‌توان گفت مدلی که در آن دو عامل اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی به عنوان دو متغیر جداگانه ولی مرتبط در نظر گرفته شود، نسبت به مدلی که در آن یک عامل مرتبه دوم منظور شود، ارجحیت دارد. این یافته هم با مبانی نظری دلبستگی و هم با نتایج گزارش شده از سوی سیبلی و همکاران (۲۰۰۵) و فرچایلد و فینی (۲۰۰۶) همخوان است.

1. Sibley, Fischer, & Liu
2. Fairchild & Finney

تحقیقات نشان داده که مقیاس‌های اضطراب و اجتناب ECR-R از ثبات بالایی برخوردار است به طوری که فریلی و همکاران (۲۰۰۰) با استفاده از روش بازآزمایی، ضریب پایایی ۰/۹۴ را برای مقیاس اضطراب، و ضریب پایایی ۰/۹۵ را برای مقیاس اجتناب گزارش کردند. سیبلی و همکاران (۲۰۰۵) نیز با بازآزمایی سه هفته‌ای، ضریب پایایی مقیاس اضطراب را ۰/۹۲ و ضریب پایایی مقیاس اجتناب را ۰/۹۰ را گزارش کردند. در پژوهش حاضر بر روی ۴۰ نفر (۲۰ زوج) بازآزمایی سه هفته‌ای اجرا شد و ضریب پایایی ۰/۹۱ برای مقیاس اضطراب و ضریب ۰/۹۳ برای مقیاس اجتناب بدست آمد.

فرچایلد و فینی (۲۰۰۶) نشان دادند که هر یک از مقیاس‌های اضطراب و اجتناب از همسانی درونی بالایی برخوردارند به طوری که ضریب آلفا برای مقیاس اضطراب، ۰/۹۱۷، و برای مقیاس اجتناب، ۰/۹۲۷ بوده است. بطلانی (۱۳۸۷) همسانی درونی را برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲ و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۱ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی برای اضطراب و اجتناب دلستگی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۹ بدست آمد.

پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه: پرسشنامه کیفیت ادراک شده از ابعاد رابطه زناشویی^۱ (PRQC)، که به اختصار کیفیت ابعاد رابطه نام گرفت، توسط فلیچر، سیمپسون، و توماس^۲ (۲۰۰۰) تدوین شده است. این پرسشنامه کوتاه و معتبر شامل ۱۸ سؤال در ابعاد رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی، و عشق است. تلاش سازندگان بر آن بوده است که سؤالات ابعاد با یکدیگر همپوشی نداشته باشند. برای هر بعد سه سؤال مطرح شده است که آزمودنی پاسخ خود را در مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای از ۱= اصلاً تا ۷= کاملاً مشخص می‌کند. حداقل نمره ۱۸ و حداکثر ۱۲۶ است که از جمع نمرات حاصل می‌شود. نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده کیفیت کمتر و نمرات بالاتر نشان‌دهنده کیفیت بهتر رابطه زناشویی در ابعاد مختلف است. این مورد در باره هر یک از ابعاد ششگانه رابطه زناشویی نیز صادق است.

1. Perceived Relationship Quality Components
2. Fletcher, Simpson, & Thomas

در پژوهش حاضر، به منظور بررسی روایی همگرایی پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه، همزمان، مقیاس صمیمیت^۱ (IS) (واکر و تامپسون^۲، ۱۹۸۳، به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷)، و مقیاس سازگاری زناشویی^۳ (DAS) (اسپنیر^۴، ۱۹۷۶، به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷) اجرا شد. ضریب همبستگی بین پرسشنامه کیفیت رابطه با مقیاس صمیمیت، (sig = ۰/۰۰۰۱) ۰/۸۶، و با مقیاس سازگاری زناشویی، (sig=۰/۰۰۰۱) ۰/۷۴ به دست آمد. این نتایج نشان می‌دهد که ضریب روایی پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه بالا است. در پژوهش حاضر، به منظور بررسی روایی واگرایی پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه، همزمان شاخص بی ثباتی ازدواج^۵ (MII) (ادواردز^۶، جانسون، و بوث، ۱۹۸۷، به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷) اجرا شد. ضریب همبستگی بین پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه با شاخص بی ثباتی ازدواج، (sig=۰/۰۰۲) -۰/۵۴ به دست آمد.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی فلیچر و همکاران (۲۰۰۰)، مدل مرتبه بالاتر^۷ را تأیید کرد به طوری که ابعاد ششگانه، سازه‌هایی مشخص و نیمه‌مستقل^۸ هستند که در یک عامل مرتبه بالاتر، یعنی ادراک کلی از کیفیت رابطه زناشویی، بار می‌شوند. در پژوهش حاضر، مدل اندازه‌گیری که توسط فلیچر و همکاران (۲۰۰۰) ارائه شده و در شکل ۱ نشان داده شده است از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. در این مدل رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی، و عشق به عنوان متغیرهای آشکار در نظر گرفته شده است که بر روی عامل مرتبه اول کیفیت رابطه زناشویی افزای می‌شود. برای تشخیص برازش مدل از شاخص‌های مختلف استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که این مدل با داده‌ها به خوبی برازش دارد. شاخص‌های برازش این مدل در جدول ۲ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه

1. Intimacy Scale
2. Walker & Thompson
3. Dyadic Adjustment Scale
4. Spanier
5. Marital Instability Index
6. Edwards
7. higher. order model
8. semi. independent

می‌شود شاخص کای اسکوئر نسبی نشان داد که این مدل از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. از سویی دیگر شاخص‌های بسیار بالاتر ۰/۹۰ بود. با آنکه مقادیر شاخص‌های مقتصد از ۰/۵ کمتر بود ولی مقدار RMSEA به دست آمده نشان می‌دهد که مدل با داده‌ها برازش دارد. بدین ترتیب این مدل اندازه‌گیری برای کیفیت رابطه زناشویی قابل قبول است. بررسی جزئیات مدل نشان داد رضایت ۸۳٪، تعهد ۴۴٪، صمیمیت ۸۶٪، اعتماد ۵۲٪، شور و هیجان جنسی ۵۵٪، و عشق ۵۰٪ از واریانس کیفیت ابعاد رابطه ادراک شده را تبیین می‌کند.

فلیچر و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهشی بر روی افرادی که روابط با ثبات و طولانی مدت داشتند، پایایی مطلوبی را برای هر یک از ابعاد رابطه نشان دادند به طوری که ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی، و عشق به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۶، ۰/۸۶، ۰/۷۸، ۰/۸۶، و ۰/۸۹، و برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد مذکور به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۹۶، ۰/۹۱، ۰/۹۳، ۰/۹۴، و ۰/۹۵ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر، ثبات پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه از طریق روش بازآزمایی سه هفته‌ای بر روی ۳۲ آزمودنی (۱۶ زوج) بررسی شد. ضرایب بازآزمایی برای ابعاد مذکور به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۴، ۰/۹۱، ۰/۸۲، ۰/۹۲، و ۰/۹۵، و ۰/۹۵ به دست آمد.

یافته‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای آماری SPSS 16 و Amos 18 استفاده شده است. جدول ۳ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار ابعاد کیفیت رابطه زناشویی را برای زنان، مردان، و نیز کل نمونه نشان می‌دهد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار کیفیت ابعاد رابطه زناشویی به تفکیک جنسیت

عشق	شورجنسی	اعتماد	صمیمیت	تعهد	رضایت		
۱۹/۶۱	۱۵/۶۷	۱۸/۳۹	۱۶/۹۴	۱۸/۶۶	۱۵/۴۶	میانگین	زنان
۲/۸۳	۴/۵۹	۳/۳۸	۴/۲۴	۳/۰۳	۴/۶۶	انحراف	
معیار							
۱۹/۷۲	۱۶/۳۱	۱۸/۹۵	۱۷/۱۷	۱۸/۳۶	۱۶/۸۵	میانگین	مردان
۲/۲۱	۴/۳۴	۲/۹۸	۳/۷۸	۳/۰۵	۴/۱۹	انحراف	
معیار							
۱۹/۶۷	۱۵/۹۹	۱۸/۶۷	۱۷/۰۶	۱۸/۵۱	۱۶/۲۰	میانگین	کل
۲/۵۴	۴/۴۷	۳/۱۹	۴/۰۱	۳/۰۴	۴/۴۷	انحراف	
معیار							

به منظور بررسی تأثیر همزمان عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه

زناشویی از روش مدل معادله ساختاری استفاده شد. در مدل ساختاری نشان داده شده در شکل ۱، فرض بر آن است که عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی (اضطراب دلبستگی و اجتناب دلبستگی) متغیرهای مکنون برونزا هستند که به طور مستقل بر متغیر مکنون کیفیت رابطه زناشویی (متغیر درونزا) تأثیر دارند. در عین حال عامل عمومی شخصیت با هر یک از ابعاد دلبستگی مرتبط است. همچنین ابعاد دلبستگی با یکدیگر مرتبط فرض شده است. مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای مکنون در مدل مفروض (شامل عامل عمومی شخصیت، ابعاد دلبستگی، و کیفیت رابطه زناشویی)، در بخش ابزارها مورد برآورد و آزمون قرار گرفت و مدل‌های تأیید شده در مدل معادله ساختاری جایگذاری شد.

برای برآورد پارامترهای گاما (اثر متغیرهای برونزا بر درونزا) از روش حداکثر درست

نمایی (ML) استفاده شد. نتایج بررسی برازش مدل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش برای تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی

شاخص‌های کلی برازش					
RMSEA	PCFI	PNFI	CMIN/DF	CFI	TLI
۰/۰۵۱	۰/۷۱	۰/۶۰	۲/۲۵	۰/۷۵	۰/۷۴

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود شاخص‌های کلی برازش، وضعیت مطلوبی را برای مدل مفروض نشان می‌دهد. مقدار کای اسکوئر نسبی نشان داد که مدل قابل قبول است. مقدار شاخص‌های تطبیقی به علت پیچیدگی مدل تا حدودی از ۰/۹ فاصله داشت (لازم به یادآوری است که مدل اندازه‌گیری عامل عمومی شخصیت به طور کامل در شکل نشان داده نشده است). مقدار شاخص‌های مقتصد نشان داد که اقتصاد مدل به خوبی رعایت شده است. مقدار شاخص RMSEA گویای آن است که مدل به طور کلی با داده‌ها برازش داشته و مدل تأیید می‌گردد. ضریب هولتر در سطح ۰/۰۱، تعداد ۲۳۱ نفر نمونه را مشخص می‌کند که بر کفایت حجم نمونه دلالت دارد. خلاصه نتایج مربوط به جزئیات مدل شامل ضرایب ساختاری و همبستگی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. خلاصه پارامترهای برآورد شده برای تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی

شاخص‌های جزئی برازش	پارامتر	برآورد استاندارد	مقدار بحرانی	سطح معناداری
	عامل عمومی شخصیت ← کیفیت رابطه	۰/۱۲	۳/۰۴	۰/۰۰۲
ضریب تأثیر	اضطراب دلبستگی ← کیفیت رابطه	-۰/۱۸	-۵/۰۴	۰/۰۰۰۱
	اجتناب دلبستگی ← کیفیت رابطه	-۰/۸۱	-۱۶/۴۶	۰/۰۰۰۱
همبستگی	اضطراب دلبستگی ↔ اجتناب دلبستگی	۰/۳۰	۶/۱۰	۰/۰۰۰۱
	عامل شخصیت ↔ اجتناب دلبستگی	-۰/۴۵	-۹/۵۳	۰/۰۰۰۱
	عامل شخصیت ↔ اضطراب دلبستگی	-۰/۴۶	-۹/۶۸	۰/۰۰۰۱

همانطور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود ضرایب تأثیر عامل عمومی شخصیت، اضطراب دل‌بستگی، و اجتناب دل‌بستگی بر کیفیت رابطه زناشویی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است. ضریب همبستگی ابعاد دل‌بستگی با یکدیگر و با عامل عمومی شخصیت در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است. از سویی دیگر مجذور همبستگی‌های چندگانه برای کیفیت ابعاد رابطه ۰/۸۹ به دست آمد. به عبارت دیگر در این مدل ۸۹٪ واریانس کیفیت ابعاد رابطه زناشویی تبیین می‌شود. بدین ترتیب مدل مفروض تأیید گردیده و عامل عمومی شخصیت و ابعاد دل‌بستگی به طور مجزا و مرتبط بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر دارد.

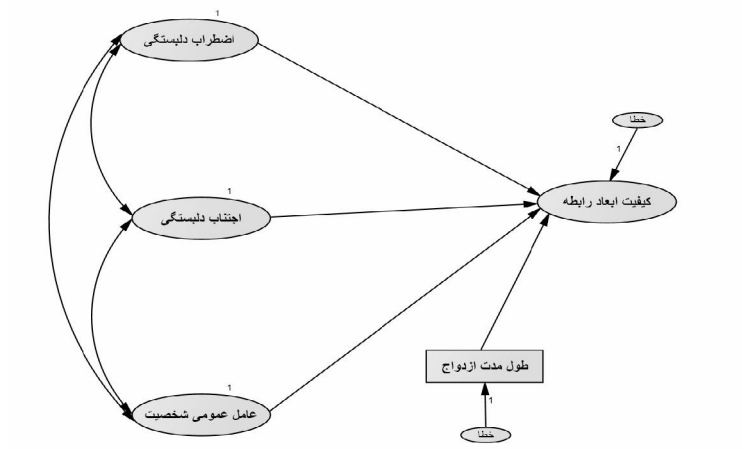
همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ضریب تأثیر اجتناب دل‌بستگی بیش از اضطراب دل‌بستگی است و در مقایسه با ضرایب تأثیر ابعاد دل‌بستگی، مقدار ضریب تأثیر عامل عمومی شخصیت کمتر است. تفاوت این ضرایب تأثیر در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. بررسی معناداری تفاوت پارامترهای اصلی در مدل مفروض

مقدار بحرانی	پارامترهای مورد مقایسه	
۱۰/۵۶-	اضطراب دل‌بستگی ← کیفیت رابطه	و
۱۶/۶۱	عامل شخصیت ← کیفیت رابطه	و
۷/۳۸	عامل شخصیت ← کیفیت رابطه	و
	اجتناب دل‌بستگی ← کیفیت رابطه	

جدول ۶ نتایج بررسی تفاوت پارامترهای اصلی به لحاظ آماری را نشان می‌دهد. همانطور که مقدار بحرانی نشان می‌دهد بین این ضرایب تأثیر در سطح کمتر از ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارتی ضریب تأثیر اجتناب دل‌بستگی بر کیفیت رابطه به طور معناداری بیش از ضریب تأثیر اضطراب دل‌بستگی و عامل عمومی شخصیت است. همچنین ضریب تأثیر اضطراب دل‌بستگی بر کیفیت رابطه به طور معناداری بیش از تأثیر عامل عمومی شخصیت است. فرضیه دیگری که به دنبال تأیید فرضیه اصلی مطرح می‌شود این است که تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دل‌بستگی بر کیفیت رابطه زناشویی به وجود/عدم وجود

فرزند و طول مدت ازدواج بستگی ندارد. بدین ترتیب مدل مفهومی مفروض در دو گروه همسران بدون فرزند و همسران دارای فرزند مورد بررسی قرار گرفته و همچنین در هر دو گروه اثر طول مدت ازدواج بر کیفیت ابعاد رابطه زناشویی، در مدل منظور شده است تا بدین ترتیب اثر آن کنترل شود. مدل مفهومی این فرضیه به طور ساده در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی تأثیر طول مدت ازدواج بر رابطه عامل عمومی شخصیت و ابعاد دل‌بستگی با کیفیت رابطه زناشویی

شاخص‌های کلی برازش برای این مدل در دو گروه همسران دارا/ بدون فرزند در جدول ۷ آورده شده است و نشان می‌دهد که به طور کلی مدل با داده‌های هر دو گروه برازش داشته و در هر دو گروه تأیید می‌گردد.

جدول ۷. شاخص‌های کلی برازش برای تبیین اثر طول مدت ازدواج بر رابطه عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی با کیفیت رابطه زناشویی به تفکیک گروهی

گروه	شاخص‌های کلی برازش								
	مقتصد			تطبیقی			مطلق		
	RMSEA	PCFI	PNFI	CMIN/DF	CFI	TLI	p	DF	CMIN
همسران بدون فرزند	۰/۰۶۲	۰/۶۴	۰/۴۴	۱/۵۹	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۲۱۶۴	۳۴۵۳/۲۴
همسران دارای فرزند	۰/۰۵۵	۰/۶۸	۰/۵۳	۱/۹۵	۰/۷۲	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۲۱۶۴	۴۲۱۸/۱۸

خلاصه نتایج مربوط به جزئیات این مدل در دو گروه در جدول ۸ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود با آنکه ضرایب تأثیر عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی در دو گروه متفاوت است ولی معناداری آنها مشابه است. همچنین در هر دو گروه تأثیر طول مدت ازدواج بر کیفیت رابطه زناشویی معنادار نیست. بنابراین تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی به وجود/عدم وجود فرزند و طول مدت ازدواج بستگی ندارد. این مدل هم در زنان و هم در مردان به طور جداگانه بررسی شد. از آنجا که تأثیر جنسیت در این روابط بسیار ناچیز بود از ارائه نتایج خودداری می‌گردد.

جدول ۸. خلاصه پارامترهای برآورد شده برای اثر طول مدت ازدواج بر رابطه عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی با کیفیت ابعاد رابطه زناشویی به تفکیک گروهی

پارامتر	همسران بدون فرزند			همسران دارای فرزند		
	برآورد استاندارد	مقدار بحرانی	سطح معناداری	برآورد استاندارد	مقدار بحرانی	سطح معناداری
اضطراب دلبستگی ← کیفیت رابطه	-۰/۱۳	-۲/۷۳	۰/۰۰۶	-۰/۲۱	-۳/۹۴	۰/۰۰۰
اجتناب دلبستگی ← کیفیت رابطه	-۰/۵۶	-۶/۳۸	۰/۰۰۰	-۰/۶۲	-۸/۹۱	۰/۰۰۰
عامل شخصیت ← کیفیت رابطه	۰/۲۳	۲/۲۱	۰/۰۳	۰/۱۱	۱/۸۷	۰/۰۵
طول مدت ازدواج ← کیفیت رابطه	-۰/۰۴	۰/۵۷	۰/۵۷	-۰/۰۴	-۱/۰۶	۰/۲۹

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر همزمان عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی پرداخت. نتایج نشان داد که عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی به طور مجزا و مرتبط بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر معنادار دارد. عامل عمومی شخصیت باعث افزایش، و اضطراب و اجتناب دلبستگی باعث کاهش کیفیت رابطه زناشویی می‌شود. همچنین تأثیر ابعاد دلبستگی بیشتر از عامل عمومی شخصیت به دست آمده و از بین ابعاد دلبستگی، تأثیر اجتناب دلبستگی بر کیفیت ابعاد رابطه زناشویی قوی‌تر بود. این نتایج با پژوهش بن‌آری و لاوی^۱ (۲۰۰۵)، و ویگاردزدومیچ^۲ و همکاران (۲۰۰۷) که رابطه ابعاد دلبستگی و یکی از عوامل شخصیت یعنی روان‌رنجوری را در زمینه‌های دیگری بجز کیفیت رابطه زناشویی بررسی کرده بودند در یک راستا بود. به طور خاص نتایج حاضر با پژوهش شیور و برنان (۱۹۹۲)، نوفل و شیور (۲۰۰۶)، و سیلی و اوورال (۲۰۰۸) در بافت رابطه زناشویی همخوان بود. براساس نتایج این پژوهش‌ها رابطه بین دلبستگی ایمن و رضایت از رابطه توسط دیگر عوامل شخصیتی مانند عوامل پنجگانه شخصیت تبیین نمی‌شود. لازم به ذکر است که این پژوهشگران قدرت پیش‌بینی

1. Ben.Ari & Lavee
2. Wijngaards.de Meij

عوامل پنجگانه شخصیت و یا ۳۰ رویه عوامل پنجگانه را با ابعاد دلبستگی مقایسه نمودند درحالیکه در پژوهش حاضر اثر ابعاد دلبستگی با اثر عامل عمومی شخصیت مقایسه شده است. دستیابی به نتایج مشابه نتایج این پژوهشگران با استفاده از ابزارهای متفاوتی برای سنجش سازه‌ها، تأییدی بر این نتیجه است که ابعاد دلبستگی بهتر از عوامل شخصیت قادر به تبیین کیفیت رابطه زناشویی است. با این حال عامل عمومی شخصیت همچنان تأثیر معناداری بر کیفیت رابطه زناشویی دارد. این یافته با جهت‌گیری نظری و پژوهشی سیلی و اوورال (۲۰۰۸) هماهنگ است. به اعتقاد آنان شخصیت نشان دهنده بازنمایی‌های فراگیر و ابعاد دلبستگی به بازنمایی‌های خاص و محدود مربوط می‌شود. بازنمایی‌های فراگیر و بازنمایی‌های خاص ارتباط نزدیک داشته و همزمان رفتار بین فردی را کنترل می‌کند. در روابط نزدیک، بازنمایی‌های فراگیر نسبت به بازنمایی‌های خاص نقش کمتری در هدایت واکنش‌های ارتباطی دارد. بنابراین با آنکه ابعاد دلبستگی و عوامل شخصیت سازه‌های مستقل و در عین حال بسیار نزدیک و مرتبط هستند، اما در پژوهش در زمینه روابط نزدیک و صمیمانه نمی‌توانند جایگزین یکدیگر گردیده و هر یک سهم منحصر به فردی در تبیین کیفیت رابطه زناشویی دارد. بدین ترتیب در پژوهش‌های مرتبط با روابط نزدیک باید همزمان ابعاد دلبستگی و عوامل شخصیت لحاظ شود. همچنین نتایج نشان داد تأثیر مجزا و مرتبط عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی به وجود/عدم وجود فرزند و طول مدت ازدواج بستگی ندارد. به عبارت دیگر با گذر از مرحله انتقالی والدینی و با افزایش طول مدت ازدواج همچنان کیفیت رابطه زناشویی تحت تأثیر عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی است. عامل عمومی شخصیت با مبانی ژنتیک قوی، یکی از ویژگی‌های پایداری است که به نظر کارنی و برادباری (۱۹۹۵) فرد با خود به رابطه می‌آورد. ابعاد دلبستگی نیز یکی دیگر از آسیب‌پذیری‌های پایدار است که تحت تأثیر تجارب زندگی فرد در طول زمان قرار دارد. کارنی و برادباری (۱۹۹۵) آسیب‌پذیری‌های پایدار را یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت رابطه زناشویی می‌دانند. از آنجایی که این آسیب‌پذیری‌ها ریشه‌های عمیق ژنتیک یا تجربه‌ای دارند، پایدار بوده و بدون آنکه

تحت تأثیر طول مدت ازدواج یا مراحل رشدی خانواده باشد، همچنان بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. نکته جالب توجه آن است که در هر دو مرحله پیش از والدینی و والدینی، تأثیر ابعاد دلبستگی بیشتر از عامل عمومی شخصیت است. تغییراتی که ناشی از انتقال به مرحله والدینی است احتمالاً نقش انتظارات و نیازهای دلبستگی همسران از یکدیگر را پررنگ‌تر می‌کند. اینکه به طور کلی حضور فرزند رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد (کاستر، ۲۰۰۹) نشان می‌دهد که در این مرحله نیازهای دلبستگی همسران به یکدیگر برآورده نمی‌شود. همسران در این مرحله با تعارض نقش، محدودیت آزادی (توینگ، کمپل، و فاستر^۱، ۲۰۰۳)، و استرس ناشی از نقش والدینی (برادباری و همکاران، ۲۰۰۰) مواجه می‌شوند. از آنجا که همسر، مظهر دلبستگی است، قابلیت دسترسی و پاسخگویی همسر در این شرایط تهدید کننده مورد بازنگری قرار می‌گیرد. می‌توان گفت با ورود فرزندان شرایط تهدید کننده سیستم دلبستگی بیشتر پیش می‌آید و بنابراین نقش ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی هر یک از همسران بیشتر می‌شود.

یافته جالب توجه دیگر در این پژوهش، رابطه متوسط و معکوس عامل عمومی شخصیت با ابعاد دلبستگی بود. این یافته با پیشینه پژوهشی که در آن رابطه سبک‌های دلبستگی با پنج عامل بزرگ شخصیت بررسی شده است مانند شیور و برنان (۱۹۹۲)، موریرا^۲ و همکاران (۱۹۹۸)، داویلا، برادباری، و فینچام (۱۹۹۸)، نیر و وویت^۳ (۲۰۰۴)، و بشارت و همکاران (۱۳۸۶) هماهنگ است. همچنین با پژوهش‌هایی که در آن رابطه ابعاد دلبستگی با پنج عامل بزرگ شخصیت مورد مطالعه قرار گرفته است مانند شافر^۴ (۲۰۰۱)، بیکستروم و هولمز^۵ (۲۰۰۱)، گالو، اسمیت، و رویز^۶ (۲۰۰۳)، نوفل و شیور (۲۰۰۶)، دونلن و همکاران (۲۰۰۸)، و

1. Twenge, Compbell, & Foster
 2. Moreira
 3. Neyer, & Voigt
 4. Shafer
 5. Baeckstroem & Holmes
 6. Gallo, Smith, & Ruiz

نیلفروشان و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد. همه این پژوهش‌ها نشان دادند که اضطراب و اجتناب دلبستگی با ثبات هیجان و برون‌گرایی رابطه منفی دارد. برخی از پژوهش‌ها رابطه منفی بین ابعاد دلبستگی با تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی را نشان دادند. براساس مبانی نظری و پژوهشی، عامل عمومی شخصیت را می‌توان به عنوان ترکیبی از ثبات هیجانی، وجدان‌گرایی، توافق‌پذیری، برون‌گرایی، و تجربه‌گرایی قلمداد کرد. بدین ترتیب طبیعی است که عامل عمومی شخصیت با اضطراب و اجتناب دلبستگی رابطه معکوس داشته باشد. همچنین رابطه متوسط به دست آمده بین عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی با نتایج تحقیق دونلن و همکاران (۲۰۰۸) همخوان است. این پژوهشگران رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و ابعاد دلبستگی را به عوامل ژنتیکی مشترک بین این دو سازه نسبت دادند. بدین ترتیب با توجه به اینکه موسک (۲۰۰۷) عامل عمومی شخصیت را سازه‌ای با ریشه‌های عمیق زیست‌شناختی، ژنتیک، نوروسایکولوژی، و تکاملی می‌داند، می‌توان رابطه بین عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی را مربوط به عوامل ژنتیکی مشترک بین این دو سازه دانست. به لحاظ نظری رابطه بین عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی را می‌توان به ارتباط ابعاد دلبستگی با رویه‌های هر یک از عوامل پنجگانه شخصیت نسبت داد. می‌توان گفت که اضطراب دلبستگی با رویه‌های اضطراب و آسیب‌پذیری عامل روان‌رنجوری مرتبط است. به علاوه براساس مفهوم‌سازی بارتولومئو (۱۹۹۰، به نقل از میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳)، اضطراب دلبستگی معادل الگوی فعال منفی خود است. یکی دیگر از رویه‌های روان‌رنجوری، افسردگی است. بر اساس نظریه‌های شناختی افسردگی (بک، استیر، و اپستین^۱، ۱۹۹۲) خودپنداره^۲ منفی، یکی از جنبه‌های اصلی افسردگی است. بدین ترتیب اضطراب دلبستگی با رویه افسردگی روان‌رنجوری مرتبط است. اجتناب دلبستگی می‌تواند با تمایل به گوشه‌گیری و انزوا در رویه افسردگی مرتبط باشد.

1. Beck, Steer, & Epstein
2. self concept

اضطراب دلبستگی می‌تواند با برون‌گرایی و توافق‌پذیری که در رابط بین فردی بیشترین نقش را دارد، ارتباط داشته باشد. یکی از رویه‌های برون‌گرایی، هیجان‌های مثبت است در حالیکه افراد اضطرابی در هیجان‌های منفی اغراق می‌کنند (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷). همچنین اضطراب دلبستگی که با الگوی منفی خود مشخص می‌شود و با رویه قاطعیت و اعتماد به نفس برون‌گرایی در تضاد است. اضطراب دلبستگی را می‌توان با توافق‌پذیری مرتبط دانست. اضطراب دلبستگی با شک و تردید نسبت به قابلیت دسترسی و پاسخگویی مظهر دلبستگی، یعنی همسر، همراه است (فریلی و شیور، ۲۰۰۰). به همین دلیل برای افراد اضطرابی مشکل است که بتوانند به راحتی با همسر ارتباط برقرار کرده و با او همراه شوند. به علاوه ترس از طرد و ترک شدن از سوی همسر با رویه رک‌گویی و صراحت در توافق‌پذیری در تضاد است.

اجتناب دلبستگی می‌تواند با برون‌گرایی و توافق‌پذیری ارتباط داشته باشد. حالات فاصله هیجانی، استقلال، خوداتکایی، و ممانعت از هیجان‌ها در اجتناب دلبستگی (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳) با رویه‌های گرمی، جمع‌گرایی، و هیجان‌خواهی مثبت در برون‌گرایی ارتباط دارد. از آنجا که اجتناب دلبستگی معادل الگوهای منفی نسب به دیگران است (بارتولومئو، ۱۹۹۰، به نقل از میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷)، می‌تواند با رویه اعتماد، نوع‌دوستی، و دل‌رحمی در توافق‌پذیری ارتباط داشته باشد. ترجیح فاصله هیجانی و استقلال در افرادی که اجتناب دلبستگی آنها بالا است با رویه‌های نوع‌دوستی، همراهی، تواضع، و نرم‌خویی در توافق‌پذیری در تضاد است.

اجتناب و اضطراب دلبستگی می‌تواند با تجربه‌گرایی ارتباط داشته باشد. اضطراب و اجتناب دلبستگی بالا با عدم دستیابی به هدف مشخص سیستم دلبستگی، یعنی ایمنی، همراه است. در این صورت فعالیت سیستم دلبستگی از طریق راهبرد بیش فعال‌سازی همچنان ادامه داشته یا از طریق راهبرد نافع‌سازی به طور طبیعی پایان نمی‌یابد. به همین دلیل از فعالیت سیستم‌های رفتاری دیگری ممانعت می‌شود (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷). سیستم رفتاری اکتشاف احتمالاً با مبانی تجربه‌گرایی ارتباط دارد. همچنین فعال شدن سیستم رفتاری دلبستگی مانع فعالیت سیستم رابطه و عضویت می‌شود. کفایت، نظم و ترتیب، وظیفه‌شناسی، و تلاش و

پشتکار، رویه‌های وجدان‌گرایی است که به تنظیم روابط بین فردی و شمول و عضویت در گروه‌ها کمک می‌کند. به همین دلیل ابعاد دلبستگی می‌تواند با وجدان‌گرایی ارتباط داشته باشد.

یک از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از نمونه‌گیری در دسترس بود. در صورتیکه امکان نمونه‌گیری تصادفی وجود داشته باشد می‌توان تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق را افزایش داد. همچنین این پژوهش از نوع مقطعی بود و داده‌ها در یک مقطع زمانی خاص به دست آمد. استفاده از مطالعات طولی امکان بررسی سیر و روند تأثیر شخصیت و دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی در طول زمان را فراهم می‌کند. از سویی دیگر عوامل استرس‌زای خانواده تأثیرات متفاوتی بر کیفیت رابطه زناشویی دارد به همین دلیل به منظور کنترل اثر اینگونه عوامل، جامعه این پژوهش شامل زوج‌هایی بود که در یک سال اخیر با رویدادهای استرس‌زا مواجه نشده بودند و تأثیر این عوامل بر کیفیت رابطه زناشویی بررسی نشد. در پژوهش‌های آتی می‌توان رابطه شخصیت و سبک دلبستگی با کیفیت رابطه زناشویی را در شرایط استرس‌زای مختلف و تأثیر اینگونه رویدادها را بررسی نمود. در این پژوهش استفاده از ابزار خودسنجی برای سنجش ابعاد دلبستگی و سبک شخصیت استفاده شد. استفاده از روش‌های مکمل از جمله مصاحبه و گزارشات همسر برای سنجش این متغیرها می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر کمک کند.

به پژوهشگرانی که به رابطه شخصیت و دلبستگی علاقمندند پیشنهاد می‌شود نقش شخصیت را در شکل‌گیری دلبستگی مطالعه کنند. اگر سبک‌های دلبستگی در همان روابط اولیه با مظاهر دلبستگی شکل می‌گیرد و براساس قابلیت دسترسی و پاسخگویی مظهر دلبستگی، یکی از راهبردهای دلبستگی ثانویه در فرد غالب می‌شود، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا شخصیت، که از همان ابتدا خود را به صورت خلق و خو در کودک نشان می‌دهد، نمی‌تواند بر قابلیت دسترسی و پاسخگویی مظهر دلبستگی تأثیر داشته باشد؟ شاید پاسخ به این سؤال بتواند تأکید نظریه‌پردازان دلبستگی بر تأثیرات محیطی را تعدیل کرده و نقش صفات شخصیتی خود فرد را نیز در شکل‌گیری سبک دلبستگی محسوب کند. همچنین با توجه به

ثبات نسبی جهت‌گیری‌های دلبستگی و نیز با توجه به آنکه یافته‌ها نشان داد اجتناب دلبستگی نسبت به اضطراب تأثیر بیشتری بر کیفیت رابطه زناشویی دارد، پیشنهاد می‌شود محققانی که به حیطة دلبستگی کودک علاقمندند، رفتارها و تعاملات والدین که به اجتناب دلبستگی کودک می‌انجامد را بررسی و مشخص نمایند.

به لحاظ کاربردی با توجه به تأثیر شخصیت و دلبستگی در تبیین کیفیت رابطه زناشویی می‌توان برای جامعه پژوهش رویکردی تلفیقی که متشکل از زوج‌درمانی متمرکز بر هیجان^۱ (EFT) و زوج‌درمانی شناختی باشد را پیشنهاد نمود به طوری که به همسران کمک شود تا نسبت به ویژگی‌های فردی خود و همسر و تأثیر آن بر رابطه زناشویی، آگاهی یافته و روش‌های مقابله مؤثرتری را برای دستیابی به سازگاری و رضایت بالاتر به کارگیرند. به علاوه براساس نتایج این پژوهش، در حیطة مشاوره پیش از ازدواج هم ویژگی‌های شخصیتی و هم سبک دلبستگی افراد باید مورد توجه قرار گیرد.

سپاس و قدردانی

در اینجا لازم است از سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان و کلیه افراد و زوج‌هایی که در انجام این پژوهش ما را یاری دادند تشکر کنیم.

منابع فارسی

- بشارت، محمدعلی؛ کریمی، کیومرث؛ و رحیمی نژاد، عباس. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ۳۶، (۱)، ۱۳-۳.
- بطلانی، سعیده. (۱۳۸۷). *تأثیر زوج‌درمانی مبتنی بر نظریه دلبستگی بر رضایت و صمیمیت جنسی زوجین شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.

جانسون، سوزان. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر دلبستگی: راهنمای درمانگران در شناخت و بازسازی روابط اولیه*. در سوزان. جانسون، و والر، ویفن (گردآوردگان)، فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران، ۲۱-۴۵. تهران: دانژه.

حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی. *خانواده پژوهی*. ۳، (۹)، ۴۵۳-۴۴۳.

داویلا، ج. (۱۳۸۸). نقش فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی: شکل‌دهی مدل‌های رفتاری. در سوزان. جانسون، و والر، ویفن (گردآوردگان)، *فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران، ۱۹۵-۲۲۱. تهران: دانژه.

صیادپور، زهره. (۱۳۸۴). شیوه‌های دلبستگی و رضایت از ازدواج. *مطالعات روان‌شناختی*. ۱، (۲)، ۱۵۵-۱۳۷.

عباسی، روح‌ا...؛ و رسول زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۸۸). رضایت‌مندی زناشویی و تفاوت‌های فردی: نقش عوامل شخصیتی. *مجله علوم رفتاری*، ۳ (۳)، ۲۴۲-۲۳۷.

عطاری، یوسفعلی؛ امان الهی فرد، عباس؛ و مهربانی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۳، ۱۳، ۱، ۱۰۸-۸۱.

کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج‌عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

مظاهری، محمد علی. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. *مجله روان‌شناسی*. ۴، (۳)، ۳۱۸-۲۸۶.

نیلفروشان، پریسا؛ احمدی، سیداحمد؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمدرضا؛ و قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). رابطه ابعاد دلبستگی و عوامل پنجگانه شخصیت از منظر فردی و زوجی. *خانواده پژوهی*، ۲۲، ۲۷۲-۲۵۷.

- Baekstroem, M., & Holmes, B. M. (2001). Measuring adult attachment: A construct validation of two self-report instruments. *Scandinavian Journal of Psychology*, 42, 79-86.
- Beck, A. T., Steer, R. A., & Epstein, N. (1992). Self-concept dimensions of clinically depressed and anxious outpatients. *Journal of Clinical Psychology*, 48, 423-432.
- Ben-Ari, A. & Lavee, Y. (2005). Dyadic characteristics of individual attributes: Attachment, neuroticism, and their relation to marital quality and closeness. *American Journal of Orthopsychiatry*, 75, 4, 621-631.
- Bouchard, G, Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the Five-Factor Model of personality. *Journal of Marriage and Family*. 61, 3, 651-660.
- Bradbury, T. N. (1995). Assessing the four fundamental domains of marriage. *Family Relations*, 44, 4, 459-468.
- Bradbury, T. N., Fincham, D. F., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 4, 964-980.
- Bouchard, G. (2003). Cognitive appraisals, neuroticism, and openness as correlates of coping strategies: An integrative model of adaptation to marital difficulties. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 35, 1, 1-12.
- Cohan, C. L., & Bradbury, T. N. (2009). Longitudinal Studies of Marital Satisfaction and Dissolution. In: *Encyclopedia of Human Relationships*. SAGE publications. <http://www.sage-dereference.com>
- Custer, L. (2009). Marital Satisfaction and Quality. In: *Encyclopedia of Human Relationships*. SAGE Publications. <http://www.sage-dereference.com>
- Davila, J., Bradbury, T. N., & Fincham, F. F. (1998). Negative affectivity as a mediator of the association between adult attachment and marital satisfaction. *Personal Relationships*. 5, 467-484.
- DeYoung, C. G. (2006). Higher-order factors of the Big Five in a multi-informant sample. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 1138-1151.
- Donnellan, M. B., Burt, S. A., Levendosky, A. A., & Klump, K. L. (2008). Genes, personality, and attachment in adults: a multivariate behavioral genetic analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34, 1, 3-16.
- Erdle, S., Gosling, S. D., & Potter, J. (2009). Does self-esteem account for the higher-order factors of the big five? *Journal of Research in Personality*, 43, 921-922.
- Fairchild, A. J. & Finney, S. J. (2006). Investigating validity evidence for the experiences in close relationships-revised questionnaire. *Educational and Psychological measurement*. 66, 1, 116-135.
- Fletcher, G. J., Simpson, J. A., & Thomas, G. (2000). The measurement of perceived relationship quality components: a confirmatory factor analytic approach. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 26, 340-354.

- Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*, 4, 132-154.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 2, 350-365.
- Gallo, L. C., Smith, T. w., & Ruiz, J. M. (2003). An interpersonal analysis of adult attachment style: Circumplex descriptions, recalled developmental experiences, self-representations and interpersonal functioning in adulthood. *Journal of Personality*, 71, 141-181.
- Greenberg, J.S. (2004). *Comprehensive Stress Management*. London: Mc Graw-Hill Humanities.
- John, O. P., & Srivastava, S. (1999). The Big Five trait taxonomy: History, Measurement, and theoretical perspective. In L. A. Pervin, & P. P. John (Eds.), *Handbook of Personality, Theory and Research*. (102-139). New York; The Guilford Press.
- Johnson, D. R., & Booth, A. (1998). Marital quality: A product of the dyadic environment or individual factors? *Social Forces*, 76, 3, 883-904.
- Holamn, T. B. (2001). *Premarital predictions of marital quality or Breackup: Research, Theory, and Practice*. New York: Kluwer Academic Publishers.
- Karney, B. R. & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods and research. *Psychological Bulletin*, 18, 1, 3-34.
- Lawrence, E. Barry, R. A., Langer, A., & Brock, R. L. (2009). Marital Satisfaction, Assessment Of. In: *Encyclopedia of Human Relationship*. SAGE publications. <http://www.sage-reference.com>
- McCrea, R. R., & Costa, P. T. (1999). A five-factor theory of personality. In L. A. Pervin, & P. P. John (Eds.), *Handbook of Personality, Theory and Research*. (pp. 139-153). New York; The Guilford Press.
- McCrae, R. R. & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
- Mc Goldrick, M. & Carter, B. (2003). The family life cycle. In F. Walsh (Eds.), *Normal Family Processes*, (3rd ed.). New York: Guilford
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, Psychodynamics, and interpersonal processes. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology* (vol35). San Diego: Academic Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*. New York: The Guilford Press.
- Moreira, J. M., Bernardes, S., Andrez, M., Aguiar, P., Moliero, C., & Silva, M. F. (1998). Social competence and adult attachment style in Portuguese sample. *Personality and Individual Differences*, 24, 4, 565-570.
- Musek, J. (2007). A general factor of personality: Evidence for the Big One in the five-factor model. *Journal of Research in Personality*, 41, 1213-1233.

- Neyer, F. J. & Voigt, D. (2004). Personality and Social network effects on romantic relationships: A dyadic approach. *European Journal of Personality*, 18, 279-299.
- Nofle, E. E., & Shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40, 179-208.
- Rushton, J. P., Bons, T. A., & Hur, Y. M. (2008). The genetics and evolution of a general factor of personality. *Journal of Research in Personality*, 42, 1136-1149.
- Rushton, J. P. & Irwing, P. (2008). A General Factor of Personality (GFP) from meta-analyses of the Big Five: Digman (1997) and Mount, Barrick, Scullen, and Rounds (2005). *Personality and Individual Differences*, 45, 679-683.
- Shafer, A. B. (2001). The big five and sexuality trait terms as predictors of relationships and sex. *Journal of Research in Personality*, 35, 313-338.
- Shaver, P. R. & Brennan, K. A. (1992). Attachment style and the big five personality traits: Their connection with romantic relationship outcomes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 536-545.
- Sibley, C. G., Fischer, R., & Liu, J. H. (2005). Reliability and validity of the revised experiences in close relationships (ECR-R) self-report measure of adult romantic attachment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 11, 1524-1536.
- Sibley, C. G., & Overall, N. C. (2008). The boundaries between attachment and personality: Localized versus generalized effects in daily social interaction. *Journal of Research in Personality*, 42, 1394-1407.
- Van der Liden, D., Nijenhuis, J., & Bakker, A. B. (2010). The general factor of personality: A meta-analysis of big five intercorrelations and a criterion-related validity study. *Journal of Research in Personality*, 44, 315-327.
- Wijngaards-de Meij, L., Stroebe, M., Schut, H., Stroebe, W., Bout, J., Heijden, P., & Dijkstra, I. (2007). Neuroticism and attachment insecurity as predictors of bereavement outcome. *Journal of Research in Personality*, 41, 498-505.